

تجربه‌ی زیسته‌ی زنان از فرزندآوری:

مطالعه زنان متأهل شاغل و با تحصیلات دانشگاهی شهر اصفهان

بهجت حاجیان^۱

مریم مکتوبیان^۲

چکیده

خانواده قدیمی‌ترین نهاد بشری و منشأ افزایش اعضا و گسترش جمعیت یک جامعه می‌باشد. هدف پژوهش حاضر کشف تجربه‌ی زیسته‌ی زنان متأهل شاغل و با تحصیلات دانشگاهی شهر اصفهان که بیش از یک سال از ازدواج آنان گذشته بود، در زمینه‌ی فرزندآوری، دغدغه‌ها و انتظارات آنان است. از این رو ۱۵ زن متأهل در شهر اصفهان که دارای تحصیلات دانشگاهی و مناصب شغلی بودند، با روش پدیدارشناسی و با تکنیک مصاحبه‌ی عمیق مطالعه گردیدند. یافته‌های پژوهش با به‌کارگیری روش چندمرحله‌ای ماستاکاس، تحلیل شدند که در نهایت ۲۰ کد تفسیری و شش کد تبیینی «عدم تعیین اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و منابع زیست‌محیطی»، «چالش‌های زنانه»، «ناکارآمدی سیاست‌های جمعیتی»، «انگیزه‌های شغلی و تحصیلی»، «مواهب فرزند» و «محدودیت‌های فیزیولوژیکی» کشف گردید.

واژگان کلیدی: تجربه زیسته، خانواده، فرزندآوری، زنان، اشتغال.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی مسایل اجتماعی ایران، دانشگاه اصفهان

۲- کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه اصفهان

مقدمه

طی فرآیند مدرنیته در ایران، شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی، انسانی و فرهنگی همانند کاهش نرخ رشد جمعیت، کاهش بی‌سوادی، افزایش تحصیلات دانشگاهی، افزایش امید به زندگی، بهبود امکانات پزشکی و بهداشتی، گسترش شهرنشینی و مانند آن‌ها رشد چشم‌گیری داشته‌اند. این پیشرفت‌ها هم شامل ابعاد مادی و تکنولوژیکی و هم ارزش‌های غیرمادی و نگرش‌ها و باورهای فردی و اجتماعی است. تغییرات ارزشی در حوزه‌ی خانواده که یکی از نشانه‌های مدرنیته است، علاوه بر این که خود پیرو تغییرات ارزشی جامعه است، ارزش‌های اجتماعی را نیز شکل می‌دهد. یکی از کنش‌های مهم و مطرح در حوزه‌ی خانواده، کنش فرزندآوری و تمایلات و فرزندخواهی است که کاهش تمایل به این کنش در دهه‌های اخیر، توجه و نگرانی بسیاری از اندیشمندان حوزه‌های مختلف را در بر داشته است.

مطالعات و بررسی‌های اجتماعی و تاریخی خانواده بیان‌گر آن است که خانواده طی دوره‌های مختلف و در طول تاریخ همیشه در معرض تغییرات بوده است. عوامل مختلفی در تغییرات خانواده نقش داشته‌اند که نظر جامعه‌شناسان را نیز جلب کرده است. یکی از عوامل عمده‌ی تغییرات خانواده، تغییرات جمعیتی شناخته شده است؛ یعنی هرگونه کاهش یا افزایش در شاخص جمعیت خود بر کم و کیف خانواده، تعداد یا فراوانی آن تأثیر می‌گذارد (شیخی، ۱۳۸۷: ۲۰). با آغاز عصر شتابان ارتباطات و داده‌ها، سیستم‌های اطلاع‌رسانی در خانواده نفوذ بسیار زیادی پیدا کرده‌اند و آگاهی و شناخت مصرف‌کنندگان رسانه‌ای را ارتقا داده‌اند. این رشد آگاهی منجر به بالا رفتن توقعات افراد و انتظار رفاه بیشتر شده است. در نتیجه خانواده‌ها تمایل کمتری به داشتن فرزند پیدا کرده و تعداد بیشتر کودک را مانعی در رسیدن به سطح بالاتر رفاه می‌دانند (کلانتری و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۱۲).

مشارکت اجتماعی - اقتصادی زنان در عصر حاضر با روند باروری در ارتباط نزدیک است. این جریان طی نیم قرن اخیر به اشکال مختلف در جوامع گوناگون صورت گرفته است، یعنی با ورود زنان به کار و اشتغال رسمی روند باروری به‌طور اجتناب‌ناپذیری تحت تأثیر قرار گرفته است. مشارکت زنان در بخش‌های اقتصادی و امور خارج از خانه تأثیر قابل توجهی بر تصمیمات مربوط به باروری آنها بر جای گذاشته است، بدان مفهوم که باروری مطابق با شرایط کاری و اشتغال تنظیم گردیده است. ولی این بدین معنا نیست که اشتغال به‌طور مطلق تابع باروری است. طی نیم قرن اخیر با ورود تدریجی زنان به بازار کار، نظام ارزشی مربوط به باروری کم و بیش تعدیل یافته است، جوامع خود را با شرایط جدید تطبیق داده‌اند و اشتغال به‌عنوان عامل مانع باروری کمتر مطرح است. برحسب لزوم تسهیلات مورد نیاز در اختیار قرار گرفته و جوامع برحسب شرایط، تغییراتی در قوانین خود به نفع زنان ایجاد کرده‌اند تا آنها بتوانند نقش دوگانه خود را حفظ کنند یعنی هم نقش مادری و فرزندآوری و هم نقش اقتصادی و مسئولیت‌پذیری (شیخی، ۱۳۸۷: ۹۹). بسیاری از زنان باردار، شاغل هستند و بسیاری از زنان شاغل، باردار می‌شوند. بسیاری از این زنان در طول

بارداری‌شان کار می‌کنند و به‌زودی پس از تولد بچه به کار باز نمی‌گردند. علی‌رغم توانایی بسیاری از زنان باردار یا بیشترین‌شان برای بودن در کار با دستمزد، گاهی بارداری اگرچه موقتی، محدودیت‌هایی بر ظرفیت کاری زنان تحمیل می‌کند (گروسمن، ۲۰۰۹: ۵۷۹). بنابراین شناخت این محدودیت‌ها و اقدام برای تسهیل شرایط کاری مادران شاغل، نه تنها آنها را از بازار کار و دریافت دستمزد دور نمی‌کند، بلکه در مختل نشدن روند کاری آنان نیز نقش به‌سزایی خواهد داشت.

ضرورت پژوهش

باروری و فرزندآوری به عنوان عامل منحصر بفرد افزایش جمعیت در سطح جهانی از اهمیت بیشتری برخوردار است و مهم‌ترین عاملی که می‌تواند ساختار سنی یک جمعیت را دگرگون سازد سطح باروری زنان است، هم‌چنین دسترسی بهینه به شاخص‌های اجتماعی نظیر خانواده، ازدواج، باروری و غیره همگی در گرو وضعیت جمعیتی است، دسترسی به شاخص‌های بهتر اقتصادی نیز همین گونه با جمعیت جامعه در ارتباط است. از این رو پرداختن به جمعیت و گرایش به باروری پیش‌نیاز هرگونه توسعه اجتماعی-اقتصادی در جامعه است (شیخی، ۱۳۸۰: ۱۱۰). میزان باروری و رفتارهای مربوط به آن موضوعی است که توجه بسیاری از محققان علوم اجتماعی را به خود مشغول داشته است. این متغیر از ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی، روحیه‌ها و منش‌ها و آداب و رسوم یک جامعه متأثر بوده، از دیدگاه جمعیت با متوسط سن ازدواج، عمومیت ازدواج و میزان ازدواج مرتبط است و از عوامل دیگری مانند سطح آموزش، آگاهی‌های اجتماعی و شرایط زیستی مردم جامعه تأثیر می‌پذیرد (تقوی، ۱۳۸۸: ۱۳۱).

موضوع جمعیت در سال ۱۳۴۱ برای نخستین بار در برنامه سوم عمرانی کشور مورد توجه قرار گرفت. در سال ۱۳۴۵، دولت به‌طور رسمی سیاست جمعیتی خود را مبنی بر تنظیم خانواده و کنترل زاد و ولد اعلام نمود و به این ترتیب ایران به امضاکنندگان بیانیه جهانی تنظیم خانواده پیوست. در طول دوره‌ی ده ساله تا سال ۱۳۴۵، نرخ متوسط رشد جمعیت ایران از ۳/۲ درصد به ۲/۷ درصد کاهش یافت. در سال ۱۳۶۵ نرخ رشد سالانه به حدود ۳/۴ درصد رسید، تا سال ۱۳۷۵ این نرخ به ۲/۴۶ درصد کاهش یافت، در سال ۱۳۸۵ نیز به ۱/۶ و در نهایت در سال ۱۳۹۰ به ۱/۳ درصد کاهش یافته است. پیش‌بینی می‌شود با تداوم این روند در دوره زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۴۱۰ رشد سالانه جمعیت ایران به یک درصد برسد (آیت الهی و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۲۴-۲۲۲). هم‌چنین آمارها نشان می‌دهد که در سال ۱۳۹۰ در بیش‌تر استان‌های کشور میزان باروری کل در حد زیر سطح جانشینی بوده است (پیلتن و رحمانیان، ۱۳۹۴: ۱۲۲). پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد اگر روند فعلی رشد جمعیت و کاهش باروری ادامه پیدا کند در کمتر از سه دهه کشور ما به یک کشور سالخورده تبدیل خواهد شد که ابعاد و پیامدهای بسیاری به همراه خواهد داشت، هم‌چنین از بعد

سیاسی و امنیتی نیز کشوری با جمعیت سالخورده در برابر بروز جنگ‌ها و درگیری‌ها بسیار آسیب‌پذیر خواهد بود (آیت‌اللهی و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۲۵-۲۲۴).

از سوی دیگر در ارتباط با اشتغال زنان و ضرورت مطالعه‌ی آن در کنار روند کاهش باروری، چنانچه از اشتغال زنان حمایت شود و در ادغام نقش‌هایشان مساعدت لازم انجام گیرد، به‌نظر می‌رسد آنگاه تعارضی در نقش‌ها پیش نیاید ولی چنانچه حمایت کافی انجام نگیرد زنان مجبورند یا شغل را ترک کنند و یا خانواده‌ی خود را. معمولاً در چنین شرایطی ترجیح می‌دهند که شغل خود را ترک نموده و خانواده خود را حفظ کنند. در سطح کلان، چنانچه افراد به راحتی جایگاه شغلی خود را ترک نمایند، جامعه دچار ضرر و زیان گردیده است. در سطح خرد نیز، در محدوده یک خانواده، زن تنها نقش‌های خانوادگی را انجام می‌دهد و در کسب درآمد و رفاه خانواده سهمی را برعهده دارد. زمانی را صرف آموزش کرده تا امکان رشد و ارتقا پیدا کند. چنانچه ترک شغل نماید، تمام سرمایه‌گذاری که در این راه نموده از بین می‌رود و خانواده با نقصان درآمد دچار شرایط سخت‌تری می‌گردد، درحالی‌که با ورود فرزند مخارج خانواده افزایش هم می‌یابد. بنابراین به‌نظر می‌رسد که ترک شغل به‌واسطه‌ی تعدد نقش‌های زنان آثار نامطلوبی را در سطح خرد و کلان در جامعه می‌گذارد که نتایج آن مناسب توسعه اقتصادی و اجتماعی نخواهد بود (سفیری، ۱۳۷۷: ۳۵). در نتیجه ضرورت دارد که در برنامه‌ریزی‌های جمعیتی به وضعیت اشتغال زنان توجه ویژه‌ای شود و با ارائه‌ی تسهیلات و خدمات خاصی به آنان، فرآیند بارداری و پس از آن را برای زنان شاغل آسان‌تر و مطلوب‌تر سازند تا آنان تمایل بیشتری به فرزندآوری در کنار اشتغال بیابند.

سیاست‌گذاری و هرگونه برنامه‌ریزی برای افزایش سطح باروری، نیازمند شناخت همه جانبه و عمیق کنش‌های باروری زنان و تجربیات زیسته‌ی آنان است. بر این اساس، انجام مطالعات کیفی به منظور فهم تمایلات فرزندآوری زنان شاغل و تجربیات زیسته‌ی آنان نقش مهمی در زمینه‌ی سیاست‌گذاری جمعیتی، دست کم در مقیاس محلی و منطقه‌ای خواهد داشت. از این رو با توجه به این که طبق نظر بسیاری از متفکران اجتماعی و هم‌چنین نتایج تحقیقات اجتماعی، اشتغال زنان از عوامل مهم کاهش باروری از سوی آنان شناخته شده است، لازم است که تجربیات زنان شاغل در این زمینه شناخته شود و فهم بین‌الذهانی آنان درک گردد. هم‌چنین کشف معانی ذهنی و کنش‌های آنان در این باره می‌تواند راهگشا و راهنمای بهتری برای سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های آینده باشد. از سوی دیگر، از آن جایی که افزایش تحصیلات زنان نیز با کاهش باروری در ارتباط است، سعی بر این بوده است که بر شناخت تجربه‌ی زیسته و معانی ذهنی زنان شاغل و با تحصیلات دانشگاهی (تحصیلات عالی و تکمیلی) شهر اصفهان تأکید شود. شهر اصفهان نیز همسو با جریان کلی جامعه‌ی ایران با این کاهش باروری روبه‌رو شده است. نکته قابل توجه اینجاست که نرخ رشد جمعیت اصفهان در سال ۱۳۳۵ معادل ۵/۸ درصد بوده است و در سال ۱۳۹۰ به ۱/۹۹ درصد کاهش یافته است. هم‌چنین متوسط بعد خانوار نیز در سال ۱۳۹۰ در کل کشور ۳/۵۵ بوده است که در اصفهان از متوسط کشوری نیز کمتر و به میزان ۳/۳ نفر بوده است.

متوسط تعداد فرزند به‌ازای هر مادر نیز به ۱/۷ رسیده است. از سوی دیگر، در سال ۱۳۸۵ بیشتر خانوارهای کشور (۳۲/۲ درصد) تعداد ۵ نفر و بیشتر عضو داشته‌اند که این مقدار برای سال ۱۳۹۰ به ۲۱ درصد کاهش یافته و بیشتر خانوارهای کشور و هم‌چنین شهر اصفهان دارای ۳ عضو بوده‌اند (ارشدی پور و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۷-۳). بنابراین شهر اصفهان به عنوان جامعه‌ی پژوهش برگزیده شده است.

پیشینه تجربی پژوهش

حسینی و بگی (۱۳۹۳) در پژوهشی با هدف بررسی تمایلات فرزندآوری ۷۰۰ زن همسردار مراجعه‌کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهر همدان و تعیین‌کننده‌های آن با استفاده از رگرسیون لجستیک به پیش‌بینی احتمال عدم تمایل به فرزند بیشتر پرداختند. در مدل اول، متغیرهای فردی از قبیل تحصیلات، خاستگاه و وضعیت اشتغال زنان وارد تحلیل شد. در مدل دوم، متغیرهای جمعیتی سن و شمار فرزندان در قید حیات و در مدل سوم، مشخصه‌های فرهنگی به تحلیل‌ها اضافه شد تا تأثیر مجموع متغیرها با هم مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد. آنان دریافتند که میزان OR برای زنان شاغل در مدل اول برابر با ۱/۰۲۳ (Sig: ۰/۰۳۴)، در مدل دوم برابر با ۱/۳۹۱ (Sig: ۰/۰۰۲) و در مدل سوم برابر با ۱/۴۶۴ (Sig: ۰/۰۰۱) است.

عباسی شوازی و خواجه صالحی (۱۳۹۲) در پژوهشی با هدف بررسی رابطه‌ی برخی ابعاد استقلال ۴۰۰ زن با تمایل به فرزندآوری زنان در شهر سیرجان، واقع در استان کرمان پرداخته‌اند. نتایج تحلیل دومتغیره نشان می‌دهد که رابطه‌ی بین متغیرهای استقلال و تمایل به فرزندآوری با کنترل متغیرهای اقتصادی و اجتماعی (تحصیلات، مشارکت اجتماعی، و وضعیت اشتغال) معنادار نیست. هم‌چنین نتایج تحلیل رگرسیون لجستیک بیان‌گر این است که از میان متغیرهای مختلف، متغیر تحصیلات زنان و مشارکت اجتماعی زنان نقش تعیین‌کننده‌ای در تبیین تغییرات متغیر وابسته دارد؛ به‌گونه‌ای که با افزایش این دو عامل تمایل به فرزندآوری کاهش می‌یابد.

کشاوری و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهش خود با هدف تعیین عوامل موثر بر فاصله بین ازدواج و فرزندآوری زنان متأهل ۴۹-۲۰ ساله‌ی شهر اصفهان با حجم نمونه ۳۸۴ و با بررسی ارتباط اشتغال زنان و تأخیر در فرزندآوری بوسیله آزمون t، دریافتند که بین زنان شاغل و خانه‌دار از نظر تأخیر در بارداری تفاوت معناداری (Sig=۰/۵۱) وجود ندارد.

پژوهش حسینی و بگی (۱۳۹۱) با هدف بررسی تمایلات فرزندآوری ۲۷۱ زن کرد همسردار ساکن شهر مهاباد اجرا گردیده است. نتایج این پژوهش نشان داد که بین وضعیت اشتغال و خانه‌داری با تمایلات فرزندآوری زنان برحسب این که در دو سال آینده فرزند می‌خواهند، پس از دو سال آینده فرزند می‌خواهند و اصلاً فرزند دیگری نمی‌خواهند، تفاوت معناداری (Sig=۰/۲۷۲) وجود ندارد. محمودیان و رضایی (۱۳۹۱) در پژوهش خود با هدف شناخت کنش کم فرزندآوری ۳۵ زن کرد با استفاده از روش نظریه زمینه‌ای به مقولات مدیریت بدن (با خرده مقولات تناسب اندام، سلامت

جسمانی)، خود حفاظتی روانی - عاطفی (با خرده مقولات آرامش طلبی، فشارهای روانی)، توانمندی اجتماعی (حضور اجتماعی، خود بازنمایی مثبت و ارتقاء کیفیت) و کم فرزندآوری بازاندیشانه (با خرده مقولات تأمل در شرایط و فرزندآوری خواسته/ ناخواسته) دست یافته‌اند. در خودحفاظتی روانی - عاطفی، هزینه‌های روانی و فکری مطرح است که یک زن برای پرورش و بزرگ کردن فرزندش متحمل می‌شود که این امر برای زنان شاغل بیشتر گزارش شده است. در توانمندی اجتماعی، برای زنان شاغل دولتی و خصوصی بیش از هرچیز حمایت از موقعیت خود و تداوم آن مهم است و بدین لحاظ سعی دارند که با کم فرزندآوری از آن حمایت کنند.

میرمحمدی و همکاران (۱۳۸۷) نیز در پژوهش خود با هدف تعیین وضعیت اشتغال مادر بر نتیجه حاملگی در بین ۶۰۰ زن دریافتند که مادران شاغل در کلیه موارد در معرض خطر بیش‌تری از جهت زایمان زودرس، نوزاد کم وزن (کمتر از ۲۵۰۰ گرم) و مرگ‌های جنینی نسبت به مادران خانه‌دار بودند و میزان زایمان زودرس و نوزاد کم‌وزن در مادرانی که در وضعیت نامطلوب کاری قرار داشتند بیش‌تر از مادرانی بود که در وضعیت کاری مطلوبی قرار داشتند.

منصوریان و خوشنویس (۱۳۸۵) نیز در پژوهش خود با هدف تبیین جایگاه مفهوم رضایت از ترکیب جنسی فرزندان بر گرایش زنان به رفتار باروری در بین ۵۵۰ زن ساکن در شهر تهران دریافتند که بین وضعیت اشتغال و خانه‌داری زنان با گرایش به فرزندآوری تفاوت معناداری ($Sig=0/34$) وجود نداشته است.

عباس‌علیزاده و همکاران (۱۳۸۴) در پژوهشی با هدف بررسی زمینه‌های فرهنگی - اجتماعی موثر بر تولد فرزند سوم و بالاتر در خانواده‌های شهری و روستایی شهرستان تبریز در دو گروه ۳۸۰ و ۳۹۰ نفره، دریافتند که بین شاغل بودن پاسخگو و تعداد فرزند رابطه معناداری وجود دارد ($Sig>0/001$) و در افراد غیرشاغل، فرزند سوم و بالاتر بیش‌تر دیده شده است. تعداد دو فرزند و پایین‌تر در افراد شاغل ۱۶/۵٪ و غیرشاغل ۸۳/۵٪ بوده است درحالی‌که فرزند سوم و بالاتر در افراد شاغل ۷/۴٪ و در افراد غیرشاغل ۹۲/۶٪ است.

آچاریا (۲۰۱۰) در نپال مطالعه‌ای را با عنوان تأثیر عوامل دموگرافیک بر رفتارهای باروری در قسمتی از نپال انجام دادند و به این نتیجه رسیدند که متغیرهای مختلفی بر طیف باروری تأثیرگذار هستند اما تحصیلات مهم‌ترین متغیر است. هم‌چنین مشاهده شد که جایگاه شغلی و درآمد نسبت معکوسی با باروری دارد.

پژوهش سبتکا^۲ و همکارانش (۲۰۱۰) با هدف بررسی دلایل اقتصادی و رفتار باروری در امریکا نشان داد افرادی که بیکاری، کاهش دستمزد و بی‌ثباتی شغلی را تجربه می‌کنند، باروری کمتری را نیز تجربه می‌کنند. هم‌چنین در زمان رکود اقتصادی، روند باروری نیز کاهش می‌یابد.

1. Acharya
2. Sobotka

لم^۱ (۲۰۰۷) در پژوهش خود دریافت که تغییر موقعیت زنان از طریق اشتغال، تحصیلات عالی، مشارکت در تصمیم‌گیری‌های خانواده و مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی تأثیر معناداری بر کاهش باروری دارد.

پژوهش لینس^۲ و همکاران (۱۹۹۹) با هدف بررسی عوامل فردی و سازمانی مرتبط با تعهد سازمانی و زمان برنامه‌ریزی شده‌ی خروج مادرانه و بازگشت به کار بعد از تولد نشان داده است که زنانی که سازمانشان ضمانت شغلی بعد از تولد بچه را ارائه داده اند، برنامه‌ریزی کرده‌اند که در زمان بارداریشان دیرتر کار کنند و پس از تولد بچه زودتر سر کار بازگردند. زنانی که فرهنگ‌های کاری-خانوادگی حمایتی را دریافت می‌کنند بیشتر به سازمانشان متعهد هستند و برنامه‌ریزی می‌کنند که سریعاً بعد از تولد بچه به کار بازگردند نسبت به زنانی که فرهنگ‌های حمایتی کمتری را دریافت می‌کنند. همچنین زنان به نگرش‌های سنتی کمتر نسبت به والدین بودن، برنامه‌ریزی می‌کنند که در زمان بارداریشان دیرتر کار کنند و پس از تولد بچه زودتر به کار بازگردند.

توگانده (۱۹۹۸)، به بررسی تأثیر اشتغال زنان بر باروری در مناطق شهری نیجریه پرداخته است و این بحث را به میان می‌آورد که به دو دلیل اشتغال زنان تأثیر منفی مداومی را روی باروری در آفریقا آن‌طور که در کشورهای پیشرفته دارد، ندارد. اول آنکه سازمان گسترده خانواده در آفریقا مادران را برای پرورش فرزندان متعددی مهیا می‌کند. دوم آن که با وجود ساختار پدر سالار اکثر جوامع آفریقایی، زنان تمایل کمتری به گفت و گو در مورد اتخاذ تصمیماتی راجع به تعداد فرزندان دارند. زیرا این امر تابعی از خواسته مردان و ترغیب خانواده شوهر می‌باشد (پیلتن و رحمانیان: ۱۳۹۴: ۱۲۳).

چارچوب مفهومی پژوهش

برطبق نظریه انتخاب عقلانی، لیبشتاین بر این فرض است که منفعت یا عدم منفعت اقتصادی فرزندان عاملی است که بر تصمیم‌گیری والدین در مورد تعداد فرزندان اثر می‌گذارد. وی معتقد است ایجاد نوعی تعادل بین رضایت‌مندی اقتصادی و هزینه‌های نگهداری فرزند، زیربنای اصلی تصمیم‌گیری والدین در مورد تعداد فرزندان است. چنانچه منافع اقتصادی فرزندان بیش‌تر از هزینه‌های آن باشد، زوجین دیگر نداشتن فرزند بیش‌تر را در سر می‌پروراند. وی معتقد است در یک جامعه رفتارهای باروری ناشی از یک رفتار اقتصادی عقلانی است (بهند، ۱۹۸۸: ۲۸۱).

از نظر بکر (۱۹۸۶) فرزندان به‌عنوان کالای مصرفی بادوام در نظر گرفته می‌شوند که طی زمان منفعت دارند. رویکرد اقتصادی از باروری بر درآمد و هزینه‌ی والدین برای فرزندآوردن تأکید دارد. این رویکرد شمار و کیفیت فرزندان دلخواه زوجین را تحت تأثیر قرار می‌دهد و بر هزینه رشد و

1Lam

2Lyness

تربیت، فرصت های از دست رفته (اشتغال زنان) و سطح درآمد خانواده تأکید دارد (راد و ثوابی، ۱۳۹۴: ۱۳۲).

به عقیده مک دونالد (۲۰۰۰)، در کشورهای درحال توسعه که زنان برابری جنسیتی بیشتری کسب می کنند و به واسطه تحصیلات و کسب شغل، عرصه اجتماعی را بیش تر تجربه می کنند و به تبع آن به دنبال تحقق انتظارات و آمل و آرزوهای فردی خود می روند، از باروری خود می کاهند؛ چون فرزندآوری و پرورش فرزندان که در جامعه سنتی وظیفه اصلی زن تلقی شده است مانع دستیابی به آرزوها و اهداف فردی زنان است (راد و ثوابی، ۱۳۹۴: ۱۳۲).

برطبق نظریه ارتقای اجتماعی، متفکران و اندیشمندان میزان باروری هر خانوار و جامعه را مبتنی بر جایگاه و منزلت والدین و یا ساکنان آن جامعه می دانند. خانواده با توجه به پیشرفت و ترقی حاصل شده در جامعه و موقعیتی که به عنوان یک عضو داراست به فرزندآوری می اندیشد. اکنون اگر آوردن فرزند باعث حرکت صعودی خانواده شود آن را ادامه می دهد، ولی اگر فرزندآوری را مانع پیشرفت و توسعه و موقعیت اجتماعی خود بداند آن را به طرق مختلف کنترل می کند (رشیدی، ۱۳۷۹: ۴).

صاحب نظران نظریه اقتصادی - اجتماعی فرزندآوری، بر این باورند که جهت تبیین باروری باید ترکیبی از عوامل اجتماعی را به کار گرفت. استرلین از برجسته ترین نظریه پردازانی است که با استفاده از نظریه های اقتصادی فرزندآوری درصد تبیین این رویکرد می باشد که به نظریه عرضه و تقاضا شهرت یافته است. اساس نظریه این است که سطح باروری در یک جامعه به وسیله انتخاب هایی که توسط زوجین در زمینه فرهنگی و خانوادگی شان صورت می گیرد، بستگی دارد. والدین سعی می کنند تا تعادلی را بین قابلیت عرضه فرزند یعنی توان فیزیکی زاد و ولد زنان و تقاضا برای بچه که همان شمار کودکان زنده ایده آل است برقرار نمایند. براساس این نظریه چنانچه فرزند به عنوان کالا در نظر گرفته شود ارزش های اقتصادی، اجتماعی موجود در جامعه در تعیین شمار مطلوب فرزندان نقش تعیین کننده دارد. در این ارتباط دو متغیر حایز اهمیت است، اولاً مخارج فرزندان که جنبه اقتصادی دارد و دوم تمایلات ذهنی والدین که در ارتباط با مجموعه ای از عوامل اجتماعی - فرهنگی و روانی همراه می باشد (ویکز، ۱۹۹۸، به نقل از حسینی، ۱۳۸۱: ۵۲). مبتنی بر نظریه ریسک، بک بر این عقیده استوار است که مدرنیزاسیون مشکلات و تناقضات نهادهای مدرن را چند برابر می کند و تداوم و ثبات آن ها را تهدید می کند. در نتیجه نهادهای اجتماعی به دلیل اهمیت مسایلی که با آن روبه رو هستند و مجبورند به خودارزیابی جمعی و دوباره مشروع سازی دست بزنند بازاندیشی می شوند. برای بک این خانواده است که به طور آشکاری این تناقضات و تنش ها را نشان می دهد. زیرا روابط جنسی به عنوان روابط نسبی درون یک سیستم پیشرفته که براساس موفقیت و تساوی استوار است مسئله ساز می باشد. طبق دیدگاه وی، خانواده به درون پروژه مدرنیزاسیون بازاندیشانه کشیده شده است. زیرا یک نهاد اجتماعی است که پر از تناقضات و مشکلات و به خصوص تناقض بین خواسته های شراکت اقتصادی که هر دوی زوجین

تجربه می‌کنند. طبق این نظریه اگر دریافت افراد از آینده‌ی شخصی و اجتماعی و اقتصادی نامطمئن باشد، ممکن است بخاطر اجتناب از خطر، تصمیم به کاهش باروری بگیرند (زارع شاه آبادی، ۱۳۸۵: ۱۰۵).

نظریه‌ی گذار جمعیت‌شناختی، گذار جمعیت‌شناختی را فرایند نوسازی رفتار تولید مثل در جمعیت‌های انسانی می‌داند که طی دو مرحله کاهش مرگ و میر سپس کنترل باروری صورت می‌گیرد. براساس این نظریه جوامع نوسازی را از یک رژیم پیشامدرن مرگ و میر و باروری بالا به یک رژیم پسامدرنی که در آن هر دو پایین هستند تجربه می‌کنند. کاهش باروری نوعی تطابق عقلانی با تغییرات در شرایط اقتصادی است. کاهش باروری هنگامی رخ می‌دهد که فرایندی از نوسازی در اثر صنعتی شدن، شهرنشینی، تحصیلات، آزادی زنان و توسعه‌ی اقتصادی اجتماعی آغاز می‌شود (سید میرزایی و ارشدی، ۱۳۹۴: ۶۷).

در رویکرد نوسازی استدلال می‌شود که عوامل فرهنگ و نه ساختاری نحوه‌ی نگرش افراد را به فرزندان و فرزندآوری تغییر می‌دهد. طرفداران این دیدگاه استدلال می‌کنند که کاهش باروری ناشی از اشاعه‌ی ایده‌های جدید و آگاهی از تنظیمات باروری می‌باشد نه تغییرات در عوامل اقتصادی اجتماعی اشاعه‌ی یا نهادهای اجتماعی. تئوری اشاعه به تبیین چگونگی گسترش مفهوم تنظیم خانواده و کنترل مولید در جهان می‌پردازد در کشورهایی که باروری کاهش یافته اعمالی که به محدودیت باروری منجر می‌شود، ابتدا توسط گروه‌هایی از جمعیت که موفق‌تر، ثروتمندتر و تحصیل کرده‌تر هستند، اقتباس می‌شود و به گروه‌های میانی با منزلت پایین‌تر و مناطق روستایی گسترش می‌یابد (حسینی، ۱۳۸۱: ۱۳۴-۱۳۳).

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر به صورت کیفی و با استفاده از روش پدیدارشناسی انجام یافت. پدیدارشناسی به دنبال ارائه چگونگی حضور انسان در تولید کنش اجتماعی، موقعیت اجتماعی و دنیای اجتماعی است. هدف اساسی پدیدارشناسی کاهش تجربیات فردی به پدیده‌ای است که توصیف ماهوی آن به لحاظ جهانی و عمومی امکان پذیر شود. در این راستا هدف دست‌یابی به ماهیت واقعی چیزهایی است که بررسی می‌شوند. در واقع در روش پدیدارشناسی محقق به دنبال جمع‌آوری اطلاعات از اشخاصی است که پدیده‌ای را تجربه کرده‌اند تا بتوانند براساس آن اطلاعات به توصیف مرکبی از ماهیت آن تجربه از نظر آن افراد برسند. در این توصیف شیوه‌های تجربه و آنچه این افراد تجربه می‌کنند ارائه می‌شود (ایمان، ۱۳۸۸: ۲۷۷-۲۷۵). در پژوهش حاضر پژوهش‌گران به دنبال تجارب زنان شاغل از فرزندآوری و دغدغه‌ها و انتظارات آنان می‌باشند. نمونه مورد نظر شامل ۱۵ نفر از زنان شاغل متأهل و تحصیل کرده شهر اصفهان در نظر گرفته شد و بنابراین روش نمونه‌گیری پژوهش نمونه‌گیری هدفمند است. برای گردآوری اطلاعات از روش مصاحبه استفاده شد. هر یک

از مصاحبه‌ها به‌طور تقریبی ۱۵ تا ۸۰ دقیقه به‌طول انجامید و با کسب اجازه از مشارکت‌کنندگان ضبط گردید. برای بررسی قابلیت اعتبار، برداشت محقق از مصاحبه‌ها در طول مصاحبه و پس از آن به مشارکت‌کنندگان ارائه شد تا از صحت برداشت اطمینان حاصل شود. برای قابلیت اطمینان نیز محققان تلاش نمودند که با دیدی اکتشافی به مسئله نگاه کنند و بدون پیش‌داوری به بررسی موضوع بپردازند.

یافته‌ها

جدول (۱): ویژگی‌های توصیفی مشارکت‌کنندگان پژوهش

ردیف	شماره مصاحبه	سن	تخصصیات	محل	مدت آیدوچ	تعداد فرزندان	تعداد فرزندان ایدوال	ساعات مصاحبه	بند شماره
۱	۳۹	کارشناسی ارشد	کارمند دانشگاه	۱۲	۱	۳-۴	تمام وقت	۶	
۲	۳۴	کارشناسی	کارمند بهزیستی	۷.۵	۰	۳-۲	نیمه وقت	۵	
۳	۴۰	کارشناسی	مشاور	۱۸	۲	۲	نیمه وقت	۶	
۴	۳۸	کارشناسی	کارمند دفتری	۱۶	۱	۳	سه روز در هفته	۴	
۵	۳۸	کارشناسی	کارمند دفتری	۱۲	۲	۴	سه روز در هفته	۷	
۶	۴۰	کارشناسی	معلم	۱۷	۲	۴	نیمه وقت	۵	
۷	۳۱	دکتری	حق التدریس دانشگاه	۲	۱	۱	سه روز در هفته	۴	
۸	۳۰	کارشناسی	مدیر باشگاه	۸	۱	۱	تمام وقت	۳	
۹	۳۵	کارشناسی	آرایشگر	۱۰	۱	۲	تمام وقت	۳	
۱۰	۳۶	کارشناسی	کارمند دفتری	۱۳	۱	۱	نیمه وقت	۳	
۱۱	۳۰	کارشناسی	کارمند	۵	۱	۱	نیمه وقت	۴	
۱۲	۲۷	لیسانس	حسابدار	۱	باردار	۳	نیمه وقت	۳	
۱۳	۲۳	کارشناسی	کارمند	۳	۰	۳	سه روز در هفته	۲	
۱۴	۳۴	کارشناسی	حق التدریس دانشگاه	۶	۱	۲	سه روز در هفته	۵	
۱۵	۳۵	دکتری	هیات علمی دانشگاه	۱۰	۱	۲	تمام وقت	۴	

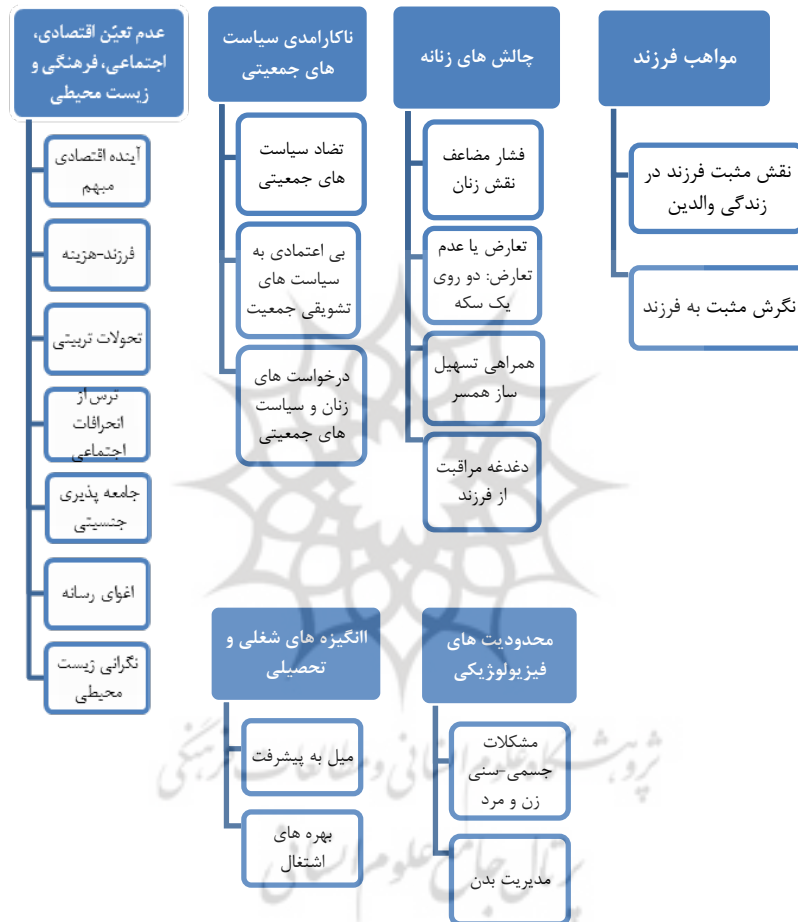
روش تحلیل اطلاعات

در این پژوهش اطلاعات با استفاده از روش چند مرحله‌ای ماستاکاس^۱ مورد تحلیل قرار گرفت. بدین‌صورت که پس از پیاده‌سازی کامل مصاحبه‌ها متون مصاحبه چندین بار به دقت خوانده شد تا فهم عمیقی از آنها حاصل شود و اطمینان حاصل شود که پیش‌فرض‌های ما نسبت به پدیده الحاق نشده است. در دومین مرحله افقی‌سازی^۲ صورت گرفت یعنی فهرست کردن گزاره‌های

1 Moustakas

2 Horizontalisation

اصلی متن پدیده مورد بررسی، مرحله سوم خوشه‌سازی و ایجاد و تم‌های مشترک است. در ادامه توصیف متنی یعنی مقوله‌سازی صورت گرفت و در مرحله آخر نیز توصیف ساختار انجام گرفت. بدین‌صورت که محققان سعی در ساختار بخشیدن به معانی به‌دست آمده کردند و در نتیجه فرایند مذکور ۳۷۰ کد توصیفی، ۲۰ کد تفسیری و در نهایت ۶ کد تبیینی حاصل شد.



شکل (۱): کدهای تفسیری و تبیینی

۱ - به دلیل فراوان و گسترده بودن کدهای توصیفی و زیر کدهای تفسیری و نیز در جهت عدم اطاله کلام از ارائه کامل کدهای توصیفی و زیر کدهای تفسیری صرف نظر شد و برای نمونه فقط به ارائه چند زیر کد تفسیری در قالب شکل پرداخته شد.

پس از بررسی و تأمل دقیق در متون پیاده‌سازی شده مصاحبه‌ها هشت مقوله تبیینی مهم و اساسی در مطالعه‌ی پیش رو استخراج شد.

عدم تعین اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و منابع زیست محیطی

یکی از دغدغه‌های مهم والدین ایجاد محیطی مناسب و شایسته برای فرزندان خود می‌باشد. گرچه هر یک از آنها در سطح فردی برای حاصل کردن محیط شایسته برای فرزندان تلاش می‌نمایند، اما آنچه از نظر والدین مهم و ضروری می‌نماید زندگی فرزندان در خانواده وسیع‌تر یعنی جامعه می‌باشد. از آنجا که جامعه نیز برای رشد و بالندگی خود به این سرمایه‌ها یعنی فرزندان نیاز دارد لازم است تا موجبات پرورش، امنیت و آسایش و راحتی اعضای خود و مخصوصاً فرزندان را به‌عنوان نیروهای ارزشمند آینده تأمین نماید. چنانچه کوتاهی و سهل‌انگاری و یا برنامه‌ریزی‌های نامناسب از یک سو فرزندان را با شرایطی ناشایست روبه‌رو می‌سازد و از طرف دیگر تمایل والدین برای افزایش جمعیت را کاهش می‌دهد. مسائل اقتصادی و نیازهای مالی وافر، انحرافات اجتماعی، محدودیت‌ها، جامعه‌پذیری جنسیتی مسئله‌مند در کنار مسائل نوپدید امروزی مثل روبه‌رویی فرزندان با فضای نامحدود مجازی و مسائل مرتبط با آن و عدم کفایت نظام آموزشی در سطوح آموزشی و تربیتی از دلایل مهمی است که از نظر مصاحبه‌شوندگان نگرش والدین به فرزندآوری را محدود کرده است. علاوه بر آن به دلیل محرک‌های محیطی متفاوت بی‌ثباتی فرهنگی و اجتماعی و نیز عدم تعین فرهنگی پیش‌بینی‌پذیری آینده برای والدین دچار مشکل شده است. توجه به بحران‌های زیست‌محیطی و نگرانی‌های وابسته به آن از دیگر نکات مطرح شده افراد مورد مصاحبه است. بنابراین قبل از هرگونه تشویق سیاست‌های جمعیتی بنیان نهادن شایسته و درخور زیرساخت‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و آموزشی و محیطی لازم و ضروری است.

آینده اقتصادی مبهم

آینده اقتصادی مبهم از مهم‌ترین کدهای تفسیری است که از متن گفتگو با اکثریت قریب به اتفاق مصاحبه‌شوندگان حاصل گردید. ناکارآمدی سیاست‌های مالی و شغلی، شرایط اقتصادی کنونی که هزینه‌های زیادی را بر خانواده‌ها بار می‌کند، در حالی که شرایط دستمزدی نامناسب است و نیز عدم اطمینان به فردای بهتر والدین را در جهت تعداد فرزندان به تأمل واداشته است. از نظر این افراد داشتن فرزند زیاد با توجه به شرایط مالی برابر است با تأمین نشدن نیازهای آنان. *لیلا، ۳۴ ساله: تک‌فرزندی که اصلاً اشتباهه، ولی خوب می‌گم شرایط خیلی مهمه که جور باشه و حقوق شوهرم سه ماه یه بار میدن، وضعیت کارشون معلوم نیس، اصلاً امنیت شغلی ندارند. بعد خوب برای همین اصلاً رو هیچی نمیشه حساب باز کرد. امنیت شغلی نداره. مثلاً ما نمیدونیم این ماه درآمد داره یا نه. بعد مثلاً بچه کلی خرج داره؛ از همون اولش دیگه باید خرج بکنی تا آخر.*

فرزند - هزینه

گرچه فرزندان معنابخش زندگی والدین هستند اما با توجه به شرایط مالی خانواده‌ها والدین داشتن فرزند را نیازمند منابع مالی‌ای می‌دانند که بتوانند نیازها و هزینه‌های فرزندان را برآورده سازند. از نظر زنان مورد مصاحبه وقتی والدین در شرایط مالی نامساعدی به سر می‌برند داشتن یک فرزند بیشتر هزینه زیادی را بر دوش آنان و می‌نهد و از آنجا که زندگی در دوران مدرن اقتضات هزینه بر زیادی را طلب می‌کند و به‌عبارتی فرزندان این زمان در دنیای سوپر مصرف و مصرف‌گرایی زندگی می‌کنند بنابراین ترجیح به سمت تعداد کم فرزندان است تا به‌خوبی از پس نیازهای مالی آن‌ها برآیند. علاوه بر آن بدلیل تنگناهای مالی که تنها شغل پدر هزینه‌های زندگی را مرتفع نمی‌سازد، مادر نیز وارد بازار کار شده و درآمد او نیز در رفع هزینه‌های زندگی و فرزندان موثر است، اما پیامد آن فاصله بین تعداد فرزند ایده‌آل و واقعی است.

مریم ۳۵ ساله: بخاطر مشکلات مالی‌ای که داریم من هم مجبورم بیام سرکار از هشته صبح تا هشته شب. مجبورم به بچه ده ساله دارم ولی هنوز نه خونه‌ای نه درآمد درستی هیچی نداریم خونم اجارست. درآمد شوهرم کارمندیه نیام سرکار نمیشه.

ترس از انحرافات اجتماعی

از نظر زنان مورد مصاحبه جامعه مملو است از انحرافات اجتماعی. از طرفی این انحرافات به بدنه خانواده صدمه وارد می‌کند و از سوی دیگر بر ذهن و روح و نیز آینده فرزندان اثر می‌گذارد. بنابراین ترس از آسیب‌های اجتماعی قدرت ریسک زنان در جهت فرزندان و تعداد آن‌ها را متأثر می‌سازد. از نظر آنها جرم و جنایت‌ها، بی‌اخلاقی‌ها و... نگرش زنان را دچار ترس و شک و تردید نموده است.

مینا ۳۰ ساله: مشکلاتی که توی جامعه وجود داره مهمه مثلاً مشکلات اخلاقی. ترس دارم بابت بزرگ شدن بچه، نمیدونم اصلاً آیندش چی میشه؟

تحولات تربیتی

زندگی در دوران جدید نیازمند هوشیاری و تأمل است چنان‌که همه عرصه‌های آن دچار تحولات گوناگون شده است. از جمله عرصه‌های تحول یافته نحوه تربیت فرزندان است که به‌خاطر حضور در این دوران نیازمند هوشمندی و برنامه‌ریزی‌های همه‌جانبه است. تحولات تربیتی در دو سطح خانوادگی و نظام آموزشی حائز اهمیت است. خانواده از یکسو در نقش مهم و ضروری‌ای را برعهده دارد و از سوی دیگر نظام آموزشی. زمانی‌که هر دو سطح با نقص و ناکارآمدی روبه‌رو است و آموزش‌های مناسب با اقتضات عصر خود را فراهم نمی‌نماید، فرایند تربیت نقیصه‌دار شده و آسیب‌های مختلفی را به بار می‌نشانند. بنابراین با وجود شرایطی که برنامه‌های تربیتی نظام آموزشی مطلوب و تاحدی به روز نیست و خانواده نیز در تربیت ناآگاهانه پیش می‌رود با پیامدهایی چون

سرکش شدن بچه‌ها، پرتوقعی و احساس تنهایی... مواجه می‌شویم. در گذشته به فرزندان مانند امروز توجه نمی‌شد، ولی افراط امروزی خانواده‌ها در توجه به کودک نیز نه تنها مشکل تفریط دیروز را حل نکرده، بلکه مشکلات بیش‌تری را نیز به‌وجود آورده است.

مینا، ۳۰ ساله: ما الکی بزرگ شدیم بهمون خیلی رسیدگی نمیشد. وهمیشه هم بابت همین از خانواده طلبکاریم اما بچه‌های امروزی خیلی بهشون رسیدگی میشه خوب اینجوری ام خیلی پرتوقع شدن.

مهناز ۳۵ ساله: نظام آموزشی ما بسیار ضعیف عمل می‌کنه و ظرفیت لازم برای آموزش و تربیت مناسب کودک قرن ۲۱ رو نداره. بچه‌های امروز تکنولوژیکن باید سواد تکنولوژیکی داشته باشن...

جامعه‌پذیری جنسیتی

جامعه‌پذیری جنسیتی همواره بحث مهمی است و اگر به‌خوبی و بطور باکفایتی در فرآیند اجتماعی شدن فرزندان لحاظ شود فرزندان به‌عنوان والدین نسل‌های آینده با مشکلات کم‌تری روبه‌رو هستند. از نظر زنان مورد مصاحبه هنوز هم بعضی افراد تمام مسئولیت‌های خانه‌داری و بچه‌داری را برعهده زنان می‌دانند و از آن‌ها انتظار رسیدگی کامل بدان‌ها را دارند و برای بعضی افراد شاغل نبودن زن در گزینش همسر امتیاز است چرا که تنها نقش مهم او را رسیدگی به خانه‌داری و بچه‌داری می‌دانند.

زهرا، ۳۸ ساله: یه شب که خانواده شوهرم مهمونمون بودن بهشون گفتیم که من می‌خوام برم سر کار و پدرشوهرم بشدت مخالفت کرد که کار زن بچه‌داری و شوهرداریه. بهشون گفتیم من مامانم/بنا بچه رو نگه میدارن فقط دو روز در هفته حاج خانوم نگهش دارن که پدرشوهرم گفت بچتونده یکی دیگه تربیت کنه. بچه رو فقط باید مادرش تربیت کنه. بعدم که بیار بچم خیلی مریض شد و داداشم اومد سرکار دنبالم که بیا بریم خونه بچت حالش بده. خانوادمم چون نظر پدرشوهرمو میدونستن گفتن بیخیال کار شو و کنار بچت باش.

اگوائی رسانه

با توجه به اینکه رسانه‌های خارجی در کنار رسانه‌های داخلی وجود دارد، سبک زندگی غربی با تعداد فرزندان کم و والدینی که هر دو به وظایف شغلی و پیشرفت‌های اجتماعی گوناگون مشغولند در نگرش و بینش زنان نسبت به فرزندآوری نیز می‌تواند سهم داشته باشد.

ارغوان، ۲۷ ساله: به نظرم تبلیغاتم اثر داره روی بچه‌داری و تعداد بچه. ماهواره و فیلم‌هاش خب اثر داره که بچه کمه و مادر و پدر همش سرکار و مادریکه دنبال کارای خودشه.

نگرانی‌های زیست محیطی

یکی دیگر از مواردی که در فرزندآوری زنان این پژوهش مورد اشاره قرار گرفت، نگرانی‌هایی بابت محیط زیست است. از نظر این افراد در دوران حال انسان‌ها با خطرات زیست‌محیطی مانند کم‌آبی و آلودگی و... روبه‌رو هستند و شرایط کنونی حاکی از احتمال بدتر شدن آن در آینده است. از نظر آن‌ها زندگی با کم‌بود منابع محیطی و بحران‌های زیست‌محیطی در آینده برای فرزندان بسیار سخت خواهد بود و عاملی است در جهت بازنگری در تعداد فرزند.

نگار، ۳۹ ساله: حتی بخاطر همین مشکل آب و این چیزها؛ ما نمی‌دونیم پس فردا خودمون از تشنگی می‌میریم، نمی‌میریم، فرا بچمون چه آینده‌ای داره. همین مسئله‌ی هوا، مسئله‌ی آب، این چیزای طبیعی.

چالش‌های زنانه

چالش‌های زنانه دومین کد تبیینی استخراج شده در مطالعه‌ی پیش رو می‌باشد. این کد از انتزاع کدهای تفسیری دغدغه‌مراقبت از فرزند، فشار نقشی مضاعف زنانه، تعارض یا عدم تعارض: دوروی یک سکه، و نیاز به همراهی تسهیل‌ساز همسر تولید شده است. و به‌طور کلی محتوای آن دربرگیرنده سختی‌ها و محدودیت‌های زنان در رویارویی با زندگی خانوادگی و شغلی است.

دغدغه مراقبت از فرزند

یکی از نگرانی‌های مهم زنان شاغل این پژوهش نگرانی مادر شاغل از نگهداری فرزند است. از نظر این افراد اگر مادر از جانب نگهداری و مراقبت فرزند خود آسودگی خاطر نداشته باشد تبدیل به مسئله مهم برای او می‌شود تا جایی که یا مجبور است تمام مسئولیت‌های نگهداری از فرزند را خود انجام دهد و از پیشرفت شغلی و اجتماعی باز بماند و یا نگهداری آن را به خانواده خود واگذار نماید و یا با استرس رسیدگی یا عدم رسیدگی کامل به فرزند از طرف پرستار، مهد کودک و... روبه‌رو شود. علاوه بر این از نظر این افراد گاهی توان مالی، اجازه گرفتن پرستار را به خانواده نمی‌دهد و مادر مجبور به همراه بردن فرزند در محل کار می‌شود.

فاطمه، ۳۲ ساله: من همه مسئولیت‌های بچه را دارم به دوش می‌کشم شوهرم که بخاطر درگیری‌های شغلیش توی دادگستری اصلاً وقت نداره، مادرم که خودش شاغله، خواهرام که خودشون درگیرن، وضعیت مالی‌ام هم هنوز در حد پرستار گرفتن نیست خوب همه سختی و نگرانی‌ها برای منه.

مهناز، ۳۵ ساله: خوب من مادرم سه سال اول بچمو تمام وقت نگهداری می‌کرد بعد هم دیگه رفت مهدکودک الانم دیگه صبح‌ها میره مدرسه بعدظهر پیش پدرشه. ولی فکر می‌کنم خیلی اذیت شد.

فشار مضاعف نقش زنانه

فشار مضاعف نقش زنانه بیانگر نقش اصلی و سنگین مادر در رسیدگی به فرزند است. فشار نقشی که در همه ابعاد آن مادر را احاطه می‌کند. زنان مذکور بر این نظر بودند که علاوه بر نقش‌های همسری، خانه داری و شغلی سختی‌ها و وظایف زن با فرزند زیاد مضاعف می‌شود. برای مثال از نظر آن‌ها زمانی که فرزند ناآرامی می‌کند، مادر استرس و اضطراب‌های زیادی را متحمل می‌شود که این برای سلامت روحی و جسمانی او مضر است یا همینطور زمانیکه موقع به مدرسه رفتن بچه‌ها فرا می‌رسد.

فاطمه، ۳۲ ساله: بچه وقت‌گیره، تاوقتی بچه نداشتم نمیدونستم اینقدر وقت‌گیره. همه سختیش ماله منه ۱۰ درصد سختیش ماله منه. اصلا بچه داری و نگهداری ازش از اون کارای خیلی وقت-گیره. مسئولیت داره

سمیه، ۴۵ ساله: یعنی یه مادر شاغل باید حداقل سه برابر توانش اگه بخواد تو زندگیش موفق باشه باید وقت بذاره، اصلا ما اوقات فراغتی نداریم. من همه ساعتام پره. اینطوری نیست که بگم تو خونه همش در حال بخت و پزم، نه، پخت و پزو دارم، تمیزکاریو دارم، خریدو دارم، دیدو بازدید و مهمونیو دارم. ولی خوب روی هم رفته یه زن شاغل من خودم فکر می‌کنم از زندگیش کمتر لذت می‌بره تا زن خانه‌دار.

تعارض یا عدم تعارض: دو روی یک سکه

کد تفسیری تعارض یا عدم تعارض: دو روی یک سکه بیانگر تعارضات کار و خانه‌داری است. گرچه اکثریت زنان مورد مصاحبه بر آن بودند که هرچند کارهای خانه داری برای زن شاغل زیاد است، ولی آن‌ها از عهده آن بر می‌آیند. ولی تعدادی هم به مشکلات آن اشاره کردند. برای مثال مسئولیت‌های چندگانه و فرصت کم برای انجام آن، حساس‌تر شدن و خستگی زنان شاغل به لحاظ روحی و جسمی، کاهش رسیدگی به فرزند و شوهر.

فاطمه، ۳۲ ساله: من خانه‌داری رو دوست دارم هر وقت هم سرکارم از خانه داری و تمیزی خونه زندگیم چیزیه کم نمی‌گذارم. همیشه خانمه با استعدادو توی خونه اسپر کرد و گفت فقط خانه داری کن. خدا این استعدادو داده و باید ازش استفاده کرد

زهرا ۳۸ ساله: خوب مثلا دیشب که اومدم خونه شوهرم میگه الان نه و نیم، ده که اومدی خونه که هیچی تازه دوباره نشستی سر دفتر دستکت؟ نه که با تندی بگه‌ها ولی خوب پیداس دوس نداره دیگه تو خونه بشینم سر این کارا. از طرفه دیگم چون اونجا تو جامعه القرآن کلی بچه دورمونه دیگه انگار خیلی کمبود بچه رو حس نمی‌کنم.

همراهی تسهیل‌ساز همسر

همواره زنان شاغل نیازمند حمایت‌های همه‌جانبه همسران خود در ابعاد روحی، عاطفی، جسمی و... هستند و مخصوصاً حمایت و مشارکت در امر نگهداری فرزندان و تقسیم وظایف خانه. زیرا که با افزایش مشارکت و حمایت مردان بار زیادی از دوش زنان برداشته می‌شود و رضایت از زندگی بیشتر می‌شود؛ علاوه بر آن تفاهم با همسر نیز از دیگر نکات مطرح شده زنان مورد مصاحبه است. از نظر آنها میزان تفاهم با همسر در فرزندآوری بسیار مهم است.

فاطمه، ۳۲ ساله: تفاهم با همسر در بحثه بچه آوردن خیلی زیاده، هرچی بچه اولم بزرگتر بشه میزان تفاهم مشخص میشه، من آدم دقیق ام فکر می‌کنم اگه صد درصد از شوهرم راضی نباشم دیگه بچه دوم نمی‌خام. باید از همه زندگیم خیلی راضی باشم و اینکه احساس کنم اون قدر زحمتای منو می‌دونه.

مریم، ۳۵ ساله: شوهرم نمی‌خاد دیگه بچه ولی من یکی دیگه رو اگه شرایط مالی مون خوب همیشه دوست دارم. ولی شوهر میگه حرفشو نزن چرا وابستگی منو باید زیاد کنیم؟ مهنازه، ۳۵ ساله: من و شوهرم در خصوص کارای خونه تقسیم کار کردیم. برای بچه هم اون به تکالیف درسش میرسه من به فعالیت‌های بیرون از مدرسه و فرا درسش و برنامه‌ریزی اون کارا با خودمه.

ناکارآمدی سیاست‌های جمعیتی

متضاد بودن سیاست‌های جمعیتی، بی‌اعتمادی به سیاست‌های تشویقی و درخواست زنان و سیاست‌های جمعیتی سه‌گانه تفسیری تولیدکننده‌ی کد تبیینی ناکارآمدی سیاست‌های جمعیتی می‌باشند. در حقیقت می‌توان گفت در اوضاع کنونی سیاست‌های جمعیتی هنوز دچار تضاد و ناهماهنگی است. به طوری که سیاست‌های جمعیتی در حال ترغیب به افزایش جمعیت است اما تعدادی از زنان تحصیل‌کرده و شاغل طبق آموخته‌های پیشینشان با این سیاست‌ها موافق نبوده و به ناهماهنگی بین این نیاز و واقعیت‌های موجود اشاره می‌کنند.

تضاد سیاست‌های جمعیتی

از نظر افراد مورد مصاحبه عدم مشابهت بین سیاست‌های جمعیتی دهه ۶۰ مبنی بر کاهش جمعیت با سیاست‌های فعلی در جهت افزایش زاد و ولد ناهماهنگی‌ای را به تصویر می‌کشد. به زعم آن‌ها زنان از طرفی در پرتو امواج تبلیغات گسترده مبنی بر کاهش جمعیت و فرزند کم‌تر و زندگی بهتر قرار داشته‌اند و از سوی دیگر با افزایش جمعیت؛ که این به آسانی نشان‌دهنده عدم توجه دقیق است.

مهنازه، ۳۵ ساله: سن باروری من و هم‌نسل‌هام مصادف شده با دو رویکرد سیاست جمعیتی کاملاً متضاد که ضدو نقیضه. تا زمینه‌هاش درست نشه کاری نمیشه کرد برای جمعیت. اجرای اجباری

سیاست‌های جمعیتی مشکل رو بیشتر می‌کند. یادمه ۱۵ ساله پیش اساتید جمعیت‌شناسی هشدار دادن که برنامه‌های پیشگیری و کاهش جمعیت باید متوقف بشه ولی توجهی نشد.

بی‌اعتمادی به سیاست‌های تشویقی

بی‌اعتمادی به سیاست‌های تشویقی جمعیت از دیگر کدهای تفسیری است که در طی مصاحبه با زنان شاغل کشف شد. از نظر افراد مورد مصاحبه گرچه سیاست‌های تشویقی ای نظیر حمایت‌های مالی شاید در تمایل به فرزندآوری اثرگذار باشد اما از آنجا که بی‌اعتمادی در سطح کلان جامعه بر سطوح خرد نیز اثرگذار است، بنابراین میزان اعتماد به اجرای این برنامه‌ها کم است. با این اوصاف وقتی نسبت به حمایت‌های سیاست‌گذاری تردید وجود دارد و از طرفی این گونه سیاست‌ها نیازمند برنامه‌ریزی‌های بلندمدت است رغبت به افزایش فرزند نیز کاهش می‌یابد. مهناز، ۳۵ ساله: با توجه به رانت‌خواری و اختلاس‌های اخیر اعتمادی به این برنامه‌ها ندارم. اصلا امیدی به آینده باثبات نیست. و این‌گونه برنامه‌ها زمانبره فکر نکنم در کوتاه مدت حل بشه و اجرا بشه.. شاید برای نسل بعد من جواب بده ولی منو هم نسلی‌هام که اطمینان نداریم ارغوان، ۲۷ ساله: اگه مثلا برای هر بچه پول واریز بشه و حمایت بشه می‌شه تعداد بچه رو زیاد کرد آدم امیدوار میشه ولی حمایت نمی‌کنن، الکیه اعتمادی نیست وقتی این همه چپاول هست.

درخواست‌های زنان و سیاست‌های جمعیتی

کد تفسیری درخواست‌های زنان و سیاست‌های جمعیتی دربرگیرنده مواردی است که زنان خواستار لحاظ کردن آن در سیاست‌های جمعیتی هستند. از نظر آن‌ها سیاست‌های فعلی در محیط‌های شغلی برای زنان شاغل مساعد نیست و این یکی از دلایل مهمی است که عدم تمایل زنان به فرزندآوری بیشتر را رقم می‌زند. افزایش امکانات و حمایت‌های مالی زنان باردار، کاهش هزینه‌های بارداری و زایمان، اهمیت مرخصی زایمان، حفظ شغل زنان در زمان مرخصی بارداری، وجود مهد کودک و یا اتاق کودک در محل کار یا نزدیک به محل کار، کاهش ساعات کار مادران، افزایش پزشک‌های خبره و متخصص باروری و ... نمونه‌هایی است از درخواست‌های زنان که با برآورده‌سازی آن تا حدی می‌توان گرایش زنان به افزایش فرزند را ترغیب کرد.

لیلا، ۳۴ ساله: قبلا تو ادارمون یه مهد کوچولو بود مال کارمندا اما الان اینا رو جمع کردن، نمی‌دونم چراچی. میتونن حتی هزینه رو از خود مادرا بگیرن ولی همین که مادر ارامش داشته باشه این مهمه. ولی مثلا یه جا رو بذارن که در کنار اون محیط کاری خانمم باشه که بتونه هم به بچش برسه هم به کارش برسه. ساعتی که باید، بره بچه رو شیر بده و دوباره بیاد سر کار. یکیم بنظر من ما تو فیش حقوقیامون داریم تحت عنوان عائله‌مندیه. بعد به ازای هر بچه هفتاد تومن. خوب این هفتاد تومن یعنی چی؟ یعنی بچه با هفتاد تومن کمک هزینه؟! اینا خیلی پایینه.

زهره، ۳۸ ساله: حداقل اگه مرخصی که میدن آدم خیالش راحت باشه که بتونه از مرخصیش استفاده کنه، که وقتی کارشو ترک میکنه بعد نکن یکی دیگه رو جای شما آوردیم خدافظ. بدونی اگه یه مدت نیستی یکی میاد جات و بعد که برمیگردی اونم بره.

اعظم، ۴۰ ساله: اگه برا مادرای باردار وام می‌داده عالی بود. اینجوری میدونی یکم می‌تونم از پس مخارج بارداری و زایمان و بعدش بریبای. آخه مدام باید پول برا آزمایش و سونو بدی. زایمان یه طرف، خرجای بعش یه طرف، بچه همش خرجه. اگه یا حقوقو بالا می‌بردن یا حداقل یه وامی چیزی بهمون می‌دادن خیالمون راحت تر بود که می‌تونیم از پس بچه‌دار شدن بر بیایم.

انگیزه‌های شغلی و تحصیلی

دو کد تفسیری میل به پیشرفت و بهره‌های اشتغال موجبات اکتشاف کد تبیینی انگیزه‌های شغلی را فراهم نمود. با وجود سختی‌ها و چالش‌های زنان در نقش شغلی، خانه‌داری و مراقبت و تربیت فرزند اکثریت زنان مورد مصاحبه در صدد یافتن شغل مورد نظر خود و یا ادامه دادن آن می‌باشند و تمایلی به رهایی از آن نداشتند همچنین برای تعدادی از زنان مذکور ادامه تحصیلات در مقاطع بالاتر از اهمیت بالایی را به خود اختصاص داده است.

میل به پیشرفت

در نظر پاسخگویان نیاز به پیشرفت و بالندگی عامل موثری است که انسان را به جلو می‌راند و مانع از یکنواختی و روزمرگی می‌شود. هم‌چنین داشتن شغل، حضور اجتماعی برای روحیه و مثرثمر بودن برای همه افراد در جامعه از جمله زنان لازم است. از نظر آن‌ها زنان همواره تلاش می‌کنند تا در وظایف‌شان به خوبی عمل کنند و شرایط پیشرفت خود را نیز به‌وجود آورند.

فاطمه، ۳۲ ساله: برام خیلی مهمه که در کارم موفق باشم، می‌خام شاغل باشم و یک فرد موفق، و به دلیل اینکه شوهرم گرفتاره و کسی نیست از بچه مراقبت کنه چن همه کارهای بچه بر عهده خودمه فعلا نظرم روی تک فرزندیه چن برای خودم برنامه دارم زن با استعداد فقط کارش خانه داری و بچه داری نیست.

ستاره، ۳۴ ساله: می‌خام درس بخونم پیشرفت کنم منم انسانم چرا باید به خاطر بچه متوقف بشم بچه کار علمیم رو کند می‌کنه یک بچه دارم فعلا، کافیه. می‌خوام به برنامه‌های علمی آموزشیم برسم تا چهار پنج سال آینده شاید بعد از اون به یه بچه دیگه بتونم فکر کنم.

بهره‌های اشتغال

گرچه اشتغال زنان همواره زیر ذره بین قرار گرفته و ترس از عدم رسیدگی به نقش مادری را با خود به همراه دارد، اما در این میان بهره‌ها و مزایای اشتغال آنان خودنمایی می‌کند. برای مثال افزایش آگاهی مادر و بهتر شناختن شرایط جامعه، افتخار به ارتقای مادر و زن در نگاه فرزند و نیز

خانواده، افزایش برنامه ریزی در زندگی، دستاوردهای مالی و استفاده جامعه از استعدادهای خود از جمله مزایای اشتغال زنان است.

نگار، ۳۹ ساله: من واقعا می‌بینم زنان شاغل برنامه‌ریزی خوبی برای زندگیشون دارند نظم دارن، از یه طرف دیگه مادری که شاغل هست بیشتر توی جامعه هست و بیشتر با مسائل و آسیب‌های جامعه آشنا میشه و این برای فرزند بهتره و بهتر میتونه انو حفظ کنه. از یه طرف دیگه بچه‌ها و شوهر هم به خانم یا مادر شاغل ارزش بیشتری میدن.

مواهب فرزند

مواهب فرزند به نقش مثبت فرزندان در زندگی والدین و نیز نگرش مثبت به فرزند اشاره دارد. زنان به وجود داشتن فرزندان کمتر همچنان به مواهب داشتن فرزند واقف هستند و به حضور آنان به دید مثبت می‌نگرند.

نقش مثبت فرزندان در زندگی والدین

زنان مورد مصاحبه اذعان داشتند علی‌رغم سختی‌ها فرزند ثمره زندگی است و بدون آن زندگی بی‌معنا است. داشتن فرزند باعث تلاش و معنابخشی به زندگی و امید به زندگی برای والدین می‌شود علاوه بر آن فرزند باعث شور و نشاط، شادی و شادابی و جریان داشتن زندگی در محیط خانه می‌شود.

سمیه ۴۵ ساله: توی خونه‌ای که بچه هست شادی هست زندگی و امید هست پره از انگیزه، یکنواختی زندگی پدر و مادر پر میشه. خانواده‌هایی که بچه ندارن انگار زندگیشون ایستاس. اما بچه‌ها که باشن بعدا که بزرگ بشن ما هم حمایت عاطفیشونو داریم هم خودشون حامی همون و تو مشکلاتشون تنها نیستن.

لیلا ۳۴ ساله: چه بچگیش چه در آینده که حالا ما سالمند شیم و بخاطر خودمون باز یه باری یه سریمون بزنین. یعنی من فکر می‌کنم بچه حتما لازمه تو زندگی باشه، ولی اگه شرایطشم جور بشه. خوب ببینید آدم واقعا هدفدار میشه، بیشتر دوست داره تلاش کنه، انگار یه هدفی داره، اصلا امید به زندگی بیشتر میشه.

نگرش مثبت به فرزند

ذکر این نکته نیز با اهمیت به نظر می‌رسد که از نظر پاسخگویان وجود خواهر و برادر برای فرزند ضروری است زیرا از تنهایی او جلوگیری کرده و محیط صمیمی‌ای را ایجاد می‌کند. تعدادی از آنها اشاره کردند که تک فرزندی هم عواقب و پیشمانی دارد هم برای فرزندان تنها و هم برای والدینی که سالخورده شده‌اند و علاوه بر آن از نظر افراد مذکور تک فرزندی ممکن است تا حدی

باعث وابستگی زیاد به والدین و یا عزت نفس کمتر شود. از نظر زنان مورد مصاحبه اگر بسترهای اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی مهیا بود احتمالاً متمایل به داشتن بیش از یک فرزند بودند. سمیه ۴۵ ساله: ولی اگه همه چی درست باشه، امکاناتش باشه، خانواده‌ها بخوان، واقعا جمعیت زیاد بودن خواهر و برادرا خیلی خوبه، مخصوصا من همش عاطفیشو می‌گم. مخصوصا تو این دوره زمنه که همش آدم احساس تنهایی رو داره وقتی یه خواهر خوب، یه برادر خوب داشته باشه که بتونه باش دردل کنه خیلی از مسایل روحی روانیش کاهش پیدا می‌کنه. مهناز، ۳۵ ساله: یکی از دلایلی که اینقدر بچه‌ها درگیر بازی‌های رایانه‌ای هستن و فضای مجازی شاید اینکه تنها هستن. به نظر من هیچ چیز جای خانواده و محیط صمیمی داشتن خواهر برادرو نمیگیره. بچه‌های الان تنهایی افراطی ای دارن.

محدودیت‌های فیزیولوژیکی

محدودیت‌های فیزیولوژیکی بیانگر مشکلات جسمانی زن و مرد و مدیریت بدن در فرزندآوری است. از نظر افراد مورد مصاحبه این نوع محدودیت‌ها نیز در مباحث جمعیتی حائز اهمیت می‌باشند.

مشکلات جسمانی

ناتوانی در باروری از سوی هر دو جنس و مشکلات سنی از جمله مواردی است که جمعیت را متأثر می‌سازد برای مثال بارداری‌های ناموفق گذشته، سقط جنین و نیز سن بالا از جمله مهم‌ترین عواملی است که موجبات ترس از بارداری مجدد را در زنان حاصل می‌کند. عده‌ای نیز بیماری‌های جسمانی زنان و مردان را عاملی در عدم تمایل به فرزندآوری مورد اشاره قرار دادند. زهرا ۳۸ ساله: خوب بارداری قبلیم هس که بچم مرد. من با این که باردار بودم سرکار می‌رفتم، مث قبل همه کاری می‌کردم. می‌فتم رو میز برگه‌ها رو بررسی می‌کردم. یا مثلا برا داوری میرفتم سه ساعتی می‌نشستم. خوب بچه تو شکم تون می‌خورد باید یا میشدم راه میرفتم اما نمی‌کردم. الانم که شوهرم همش میگه ما سنمون بالاس مرضیه ۳۸ ساله: من از یه طرف شوهرم مشکل میگرن داره و نیاز به سکوت و آرامش داره و میبینم که گاهی بچم مجبور میشه ساکت باشه، خوب بچه سرصدا داره و نگرانم که بچه بیارم و شرایط شوهرم مناسب نیس. از طرفیم ما بعد ده سال بچه دار شدیم چون تا ده سال بچه دار نمیشدیم، برا همینم الان سنمون یکم رفته بالا و انگار دیره. تازه بچم هفت سالشه و یکم انگار آرامش و سکوت تو خونمونه.

مدیریت بدن

در دوران مدرن که بدن زیبا و بی نقص عاملی برای کسب منزلت است مدیریت بدن از نظر زنان مورد مصاحبه با اهمیت است. از آنجا که در این دوران بدن انسانها در مرکز توجه قرار گرفته و با استانداردهای زیبایی‌ای مواجه شده که دائما از طریق رسانه و اتمسفر اجتماعی در حال شکل دادن به ذائقه جسمانی افراد است برای عده‌ای از زنان بارداری یا بارداری مجدد همراه است با ترس از بهم ریختن اندام و ضربه به سرمایه جسمانی. در کنار این افراد برای عده‌ای از زنان دیدگاه اجتماعی مهم‌تر از دید فیزیولوژیکی آن است و این به معنای اولویت شکل دادن به زندگی و ساخت جامعه است بر دغدغه ظاهری بدن.

ستاره، ۳۴ ساله: تناسب اندام مهمه. همین الانم که فقط یه بارداری و زایمان داشتم همچین از اندامم راضی نیستم و ایده آل نیست که تازه با زایمان و بارداری دوباره بدتر هم بشه توی دوران بارداری و حتی مدتها بعد از زایمان تغییرات فیزیکی بدن زیاده و ممکنم هست برای بعضیا طولانی مدت باشه مثلا چاقی یا تغییر شکل شکم یا جای برش زایمان غیرطبیعی و... .

مهناز، ۳۵ ساله: نه مدیریت بدن مهم نیست ایجاد یک زندگی و جامعه از این حرفا مهم تره. البته میگم من دید جامعه شناختیم رو مهمتر می‌دونم تا مدیریت بدنم.

بحث و نتیجه گیری

جامعه‌ی ایران اکنون در شرایطی قرار دارد که نیاز به گسترش نسل و افزایش فرزندآوری در آن دیده می‌شود. در سیاست‌های جمعیتی گذشته، تاکید بر کاهش فرزندآوری بود که طی گذشت زمان بصورت عرف درآمد. بطوریکه خانواده‌ها با افزایش فرزند موافقت نمی‌کنند. ایران اکنون در پنجره‌ی جمعیتی قرار دارد و طی بیست تا سی سال آینده وارد مرحله‌ی چهارم جمعیتی یعنی سالخوردگی جمعیت خواهد شد. از این رو هزینه‌های زیادی را بر جامعه تحمیل خواهد کرد. بنابراین لازم است که مجددا این ترکیب جمعیت مدیریت شود و به‌صورت نرمال درآمد که این امر جز با افزایش مجدد و منطقی جمعیت ممکن نمی‌باشد.

در حال حاضر زنان وارد فضای عمومی جامعه و بازار کار شده‌اند و بخشی از مخارج زندگی خانواده را تامین می‌کنند، از سویی شرایط کاری و محیط کار اقتضا می‌کند که زنان نیز همپای مردان و بصورت منظم در محیط کاری حضور داشته باشند و به بهترین نحو فعالیت کنند و از سوی دیگر نقش‌های زنانه و مادری اقتضا می‌کند که آنان به فرزندآوری و فرزندپروری نیز بپردازند. اما این دو امر زمانی که همزمان رخ دهند مشکلاتی را برای زنان و محیط کاری بوجود خواهد آورد، لذا زنان یا مجبور به ترک شغل می‌شوند - به‌ویژه در مشاغل غیردولتی - و یا فشارهای جسمی و روحی بسیاری را متحمل می‌شوند تا در کنار اشتغال به فرزندآوری نیز بپردازند. از این رو به آینده‌نگری و سنجش سود و زیان می‌پردازند و ممکن است از ترس خسارت شغلی و مالی، فرزندآوری را به تاخیر بیندازند و یا از آن منصرف شوند که این امر خود منجر به بالا رفتن سن

آنان، کاهش قدرت فرزندآوری و یا افزایش فاصله سنی با فرزندان و مشکلات متعاقب آن می‌شود. طبق تجربه‌ی زیسته‌ی زنان مورد مطالعه، آنان از سویی تمایل به فرزند دارند، موافق مزایای فرزند بیشتر هستند، از داشتن خواهر و برادر در زندگی خودشان رضایت دارند و وجود آنان را موجب آرامش و حمایت و شادی می‌دانند و هم‌چنین حضورشان در فضای عمومی جامعه را موجب پیشرفت فرزندان‌شان و تربیت بهتر آنان می‌بینند. از سوی دیگر، به دلیل فشار تداخل نقش‌ها، چالش‌های مراقبت از فرزند، مسایل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و محیط زیستی، بالارفتن سن‌شان و یا تحت تأثیر تبلیغات رسانه‌ها مبنی بر زیبایی اندام یا خانواده‌های کم جمعیت و هم‌چنین فشار اقتصادی و تورم در جامعه، نگران فرزندآوری یا افزایش فرزند هستند و به نوعی با وجود تمایلات درونیشان و تأکیدشان بر ضرورت داشتن فرزند، دست و پای خود را بسته می‌بینند و به فرزند کمتر اکتفا می‌کنند. نکته‌ی قابل توجه دیگر این است که سیاست‌های جمعیتی گذشته طی سال‌ها برای افراد درونی شده است و به عرف و فرهنگ جامعه رسوخ کرده است و به یکباره تغییر دادن نگرش افراد مشکل است و زمان زیاد، و برنامه ریزی تخصصی و قابل اجرا و مورد پذیرشی را می‌طلبد؛ وجود سیاست‌های جمعیتی متناقض و سیاست‌های تشویقی ناکارآمد و یا غیرقابل اجرا، اعتماد افراد را سلب می‌نماید و از این رو عده‌ای از اعضای جامعه به این سیاست‌ها بی‌اعتماد و از افزایش بار اقتصادی در زندگی‌شان نگران هستند. از این رو، برای سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها در این زمینه لازم است که در ابتدا شرایط و تجربیان و معانی ذهنی زنان شاغل را شناخت و درک نمود، خواسته‌ها و مشکلات و تقاضاهای‌شان را شنید و بررسی کرد و منطبق با آنچه که در واقعیت جامعه وجود دارد برنامه‌ها و سیاست‌هایی را ارائه داد که شرایط فرزندآوری را برای زنان تسهیل سازد و به اقتضا جامعه نیز زبانی وارد نشود.

پیشنهادات

۱. تخصیص یک اتاق در ادارات و محیط‌های کاری به عنوان «اتاق کودک» برای نگهداری کودکان در کنار مادران شاغل که موجب افزایش آرامش مادر و فرزند و عملکرد کاری بهتر زنان خواهد گردید.
۲. افزایش حق عائله‌مندی زنان باردار و مادران شاغل برای کاهش نگرانی‌های اقتصادی آنان.
۳. تخصیص وام و مزایا و هدایای اقتصادی ویژه‌ی بارداری به زنان شاغل جهت تشویق آنان به بارداری و تسهیل فرزندآوری.
۴. ارائه‌ی بخشنامه مبنی بر تعیین دستیارانی در محیط‌های کاری در کنار زنان باردار برای کمک و کاهش فشار کاری آنان در دوران بارداری.

منابع

۱. آیت‌الهی، زهرا؛ بانکی پور فرد، امیرحسین؛ حسینی، شیما؛ حکمت‌نیا، محمود؛ سیاح، یونس؛ محمودی، محمدجواد و بتول نامجو (۱۳۹۳). دانش خانواده و جمعیت، چاپ ۱۵، تهران: نشر معارف.
۲. ارشدی پور، اعظم؛ باباصفری، عبدالمجید؛ خلیلیان، مانده؛ گلستان‌نژاد، بوالقاسم؛ موسوی، رسول و اعظم نصری (۱۳۹۴). اطلس کلان‌شهر اصفهان، اصفهان: انتشارات هم صدا.
۳. ایمان، محمدتقی (۱۳۸۸). مبانی پارادایمی روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم انسانی، قم: انتشارات حوزه و دانشگاه.
۴. پیلتن، فخرالسادات و محمد رحمانیان (۱۳۹۴). "بررسی جامعه‌شناختی عوامل موثر بر تمایل به فرزندآوری زنان و مردان متأهل (مورد مطالعه: زنان و مردان ۲۵ تا ۴۵ ساله شهر جهرم)، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال ۷، شماره ۲، صص ۱۳۴-۱۲۱.
۵. تقوی، نعمت‌الله (۱۳۸۸). مبانی جمعیت‌شناسی، تهران: نشر آیدین.
۶. حسینی، حاتم (۱۳۸۱). درآمدی بر جمعیت‌شناسی اقتصادی - اجتماعی و تنظیم خانواده، همدان: نشر دانشگاه بوعلی سینا.
۷. حسینی، حاتم و بلال بگی (۱۳۹۱). "تعیین‌کننده‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و جمعیت‌شناختی تمایلات فرزندآوری زنان همسر دار مراجعه‌کننده به مراکز بهداشتی - درمانی همدان، ماهنامه علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، سال ۱۸، شماره ۱، صص ۴۳-۳۵.
۸. حسینی، حاتم و بلال بگی (۱۳۹۱). "فرهنگ و فرزندآوری: بررسی تمایلات باروری زنان کرد شهر مهاباد"، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده (مطالعات راهبردی زنان)، سال ۱۵، شماره ۵۸، صص ۱۶۱-۱۲۱.
۹. راد، فیروز و حمیده ثوابی (۱۳۹۴). "بررسی گرایش به باروری و عوامل اجتماعی مرتبط با آن (مطالعه موردی زنان متأهل ۵۰-۱۵ ساله ساکن شهر شب‌ریز)، مطالعات زن و خانواده، دوره ۳، شماره ۱، صص ۱۵۵-۱۲۷.
۱۰. رشیدی، ابراهیم (۱۳۷۹). "بررسی عوامل اقتصادی، اجتماعی فرهنگی و جمعیتی موثر بر باروری در شهر دهقان"، فصلنامه علمی و پژوهشی جمعیت، سال ۸، شماره ۳۳، ص ۴.
۱۱. زارع شاه‌آبادی، اکبر (۱۳۸۵). "تبیین جامعه‌شناختی کاهش باروری زنان در شهر تبریز"، اصفهان: پایان نامه دکتری دانشگاه اصفهان.
۱۲. سفیری، خدیجه (۱۳۷۷). جامعه‌شناسی اشتغال زنان، چاپ ۱، تهران: نشر تبیان.
۱۳. سید میرزایی، محمد و حیدر ارشدی (۱۳۹۴). "مقایسه تاثیرگذاری ارزش‌های سنتی و مدرن در گرایش به باروری در دو نسل پیاپی در شهر سنندج در سال ۱۳۹۳ (۱۳۶۳-۱۳۴۴)، ۱۳۶۴-۱۳۷۸"، مطالعات علوم اجتماعی ایران، سال ۱۲، شماره ۴۵، صص ۸۶-۶۴.

۱۴. شیخی، محمدتقی (۱۳۸۰). جمعیت‌شناسی اقتصادی و اجتماعی، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۱۵. شیخی، محمدتقی (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی زنان و خانواده، چاپ ۲، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۱۶. عباسعلی‌زاده، شمس، عباسعلی‌زاده، فاطمه و کامران صداقت (۱۳۸۴). "بررسی زمینه‌های فرهنگی-اجتماعی موثر بر تولد فرزند سوم و بالاتر در خانواده‌های شهر و روستایی شهرستان تبریز"، مجله دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران، سال ۶۲، شماره ۵، صص ۳۷۲-۳۶۷.
۱۷. عباسی شوازی، محمدجلال و زهره خواجه صالحی (۱۳۹۲). "سنجش تاثیر استقلال، مشارکت اجتماعی و تحصیلات زنان بر تمایل به فرزندآوری (مطالعه موردی شهر سیرجان)"، نشریه زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۱، شماره ۱، صص ۴۴-۴۵.
۱۸. کشاورز، حمید؛ حقیقتیان، منصور و خدیجه توسلی دینانی (۱۳۹۲). "بررسی عوامل موثر بر فاصله بین ازدواج و فرزندآوری (مطالعه موردی: زنان متأهل ۴۹-۲۰ ساله شهر اصفهان)، جامعه‌شناسی کاربردی، سال ۲۴، شماره ۲، صص ۱۲۶-۱۱۱.
۱۹. کلانتری، صمد؛ ربانی، رسول و رزیتا اکتایی (۱۳۸۵). "بررسی عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تاثیرگذار بر میزان باروری با تأکید بر نقش تنظیم خانواده در شهر اصفهان"، پیش شماره ۱، صص ۱۵۰-۱۰۷.
۲۰. محمودیان، حسین و مهدی رضایی (۱۳۹۱). "زنان و کنش کم فرزندآوری، مطالعه موردی زنان کرد"، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده (مطالعات راهبردی زنان)، سال ۱۴، شماره ۵۵، صص ۲۲۵-۱۷۳.
۲۱. منصوریان، محمدکریم و اعظم خوشنویس (۱۳۸۵). "ترجیحات جنسی و گرایش زنان همسردار به رفتار باروری: مطالعه موردی شهر تهران"، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره ۲۴، شماره ۲، صص ۱۴۶-۱۲۹.
۲۲. میرمحمدی، ماندانا؛ یادآور نیکروش، منصوره و ابوالفضل مهدی‌زاده (۱۳۷۸). "بررسی تأثیر وضعیت اشتغال مادر بر نتیجه حاملگی در مادران مراجعه‌کننده به بیمارستان‌های علوم پزشکی شهر تهران"، فصلنامه پرستاری و مامایی، شماره ۲۲، صص ۴۵-۳۸.
23. Acharya, RC. (2010). "the effect of demographic factors on fertility behavior in western Terai of Nepal", *Economic J Develop*, Vol. 12, pp. 8-21.
24. Behende, A. (1988). "principles of population studies", Bombay: Himalaya Publishing House.
25. Greenberg, D., Ladge, J and Clair Jdy (2009). "Negotiating Pregnancy at Work: Public and Private Conflicts", *Negotiation and Conflict Management Research*, Vol. 2, No. 1, pp. 42-56.

26. Grossman, J. L. (2009). "Pregnancy, Work, and the Promise of Equal Citizenship", Maurice A. Deane School of Law at Hofstra University, pp 1-63.
27. Lam, G (2007). "How does gender equity affect fertility in Hong Kong?". Thesis for the Degree of Doctor of Philosophy. The Hong Kong University of Science and Technology.
28. Lyness, K. S., Thompson, C.A., Francesco, A. M and Judiesch, M. K. (1999). " Work and Pregnancy: Individual and Organizational Factors Influencing Organizational Commitment, Timing of Maternity Leave, and Return to Work", *Sex Roles*, Vol. 41, Nos. 7/8, pp. 485-508.
29. Sobotka, T; Skirbekk, V and Philipov, D (2010). "Economic recession and Fertility in the Developed World". Vienna Institute of Demography. Vienna, Austria.

